

## طبقه‌بندی دکتر واکر از نظریه‌های برنامه درسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۵/۰۷/۲۷

### دکتر مریم آویژگان<sup>۱</sup>

#### مقدمه

دکتر واکر<sup>۲</sup> از صاحب‌نظران برنامه درسی است که طی سال‌های فعالیت خود در چند زمینه مهم برنامه درسی اندیشیده و دست به نگارش زده است. او در زمینه‌هایی مانند پژوهش در برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی و نظریه و نظریه‌پردازی برنامه درسی آثاری را پدید آورده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه‌های واکر در زمینه نظریه برنامه درسی و به طور خاص طبقه‌بندی‌های وی از نظریه‌های برنامه درسی پرداخته شده است. ذکر این نکته ضرورت دارد که با وجود آنکه یکی از طبقه‌بندی‌های واکر از نظریه‌های برنامه درسی شهرت زیادی یافته و شناخته شده است (واکر، ۱۹۸۲) ولی در این نوشتار نگاه دیگر او به نظریه‌های برنامه درسی که کمتر مطرح شده است نیز ارائه شده است. با این توضیح، در قسمت اول، نظریه‌های مورد نظر واکر در مقاله «*فرد تلقی‌های مختلفی از نظریه برنامه درسی دارند*»<sup>۳</sup> (واکر، ۱۹۸۲) مطرح و در بخش بعد، انواع نظریه‌ها از نظر وی بر اساس کتاب «*مبانی برنامه درسی*»<sup>۴</sup> (واکر، ۲۰۰۳) ارائه شده است.

#### دیدگاه دکتر واکر درباره نظریه‌های برنامه درسی در مقاله «*فرد تلقی‌های مختلفی از نظریه برنامه درسی دارند*»

مشهورترین طبقه‌بندی واکر از نظریه‌های برنامه درسی در سال ۱۹۸۲ مطرح شده است (واکر، ۱۹۸۲؛ واکر، ترجمه امیرتیموری ۱۳۸۷؛ واکر، ترجمه سلطانی، ۱۳۹۳). آنگونه که واکر در ابتدای نوشتار اشاره کرده، در پی ارائه دیدگاه خود درباره نظریه برنامه درسی نبوده است، بلکه با بررسی نظریه‌های موجود، پیشنهادهایی برای عمل بهتر نظریه برنامه درسی ارائه کرده است. او می‌نویسد «به جای جستجوی نظرات غیر روشن درون خود، تصمیم گرفتم دوباره به نظریه‌هایی که بیشتر مورد توجه و احترام من بوده نگاهی بیندازم و در این راه سرچشمه‌های نزاع را کشف کنم. شاید در این فرایند، دیدگاه‌های خود را نیز بیابم» (واکر، ترجمه سلطانی، ۱۳۹۳: ۳۰). واکر معانی مختلف یا انواع نظریه‌ها در حوزه برنامه درسی را تشریح کرده است. او در قالب یک دسته‌بندی، از چهار نوع نظریه سخن به میان آورده که از نظر موضوع نظریه‌پردازی، هدف و همچنین چگونگی تدوین و تکوین با یکدیگر تفاوت دارند (واکر، ترجمه امیرتیموری، ۱۳۸۷).

همچنین به باور واکر نظریه‌های برنامه‌درسی بر مفروضه‌های گوناگونی مبتنی هستند. برخی برای استفاده عملی در موقعیت‌های آموزشی واقعی تدوین شده‌اند و برخی دیگر به شرایط ایده‌آل انتزاعی که ممکن است در هیچ جا وجود نداشته باشد، مربوط می‌شوند. بعضی جامعه را آنگونه که هست می‌پذیرند و بعضی نیز برای جامعه‌ای جدید و بهتر، طراحی شده‌اند. نظریه‌ها از رشته‌های متفاوت فلسفه، روان‌شناسی، جامعه و انسان‌شناسی نشأت می‌گیرند. نظریه‌پردازان با مسایل ارزشی نیز به گونه‌ای متفاوت برخورد می‌کنند، برخی نظریه خود را بر ارزش‌هایی بنا می‌نهند که مورد حمایت عده‌ای است اما توسط تعدادی دیگر رد می‌شوند یا اینکه به دنبال ساختن ارزش‌های مشترکی هستند به طوری که یک اجماع حقیقی پدید می‌آید.

۱. دکترای برنامه‌درسی و کارشناس مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

2. Walker

3. Curriculum Theory is Many Things to Many People

4. Fundamentals of Curriculum



نظریه‌ها از لحاظ ویژگی‌های ظاهری نیز تنوع وسیعی دارند. بعضی بسیار جزئی هستند و بعضی فقط به کلیات توجه دارند. بعضی با نظام‌های رسمی و بعضی دیگر با زبان رمان و روزنامه سخن می‌گویند. برخی بر یک موضوع معین تمرکز دارند و برخی دیگر موضوع‌های مرتبط زیادی را مورد بحث قرار داده‌اند (واکر، ۱۹۸۲: ۶۵-۶۴). واکر نظریه‌های برنامه‌درسی را در چهار طبقه دسته بندی نموده است:

۱- نظریه‌هایی که محتوا، اهداف و رویکردهایی برای تعلیم و تربیت ارائه می‌دهند: از نظر واکر، این نظریه یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین نظریه‌های برنامه درسی است. این نظریه‌ها جزئیات برنامه را شرح می‌دهند. واکر معتقد است یکی از نخستین نمونه‌های این نوع نظریه‌ها برنامه‌ای است که دبلیو. تی. هریس<sup>۱</sup> پس از جنگ داخلی ارائه داده است. او برنامه‌ای را پیشنهاد و اجرا کرده که به آموزش نظامدار مبتنی بر کتاب‌های درسی دربردارنده تمام اندوخته اندیشه بشری در مورد طبیعت و انسان توجه ویژه داشته است. در این طرح، حفظ کردن مطالب درسی نشانه یادگیری تلقی می‌شود و عملکرد فراگیران از طریق آزمون‌های کتبی بررسی می‌شود. در این آزمون‌ها فراگیران به لحاظ علمی، رتبه‌بندی و گروه‌بندی می‌شوند. این برنامه در زمان خود، علاوه بر توجه به جزئیات، انسجام نظری بالایی داشته و امروزه نیز به عنوان الگوی آموزشی متداول پذیرفته شده است. واکر معتقد است، می‌توان بخشی از جمهوری افلاطون، نوشته‌های سوفسطاییان و آثار چهره‌های درخشان سنت آموزشی غرب نظیر بیکن<sup>۲</sup>، اراسموس<sup>۳</sup>، لاک<sup>۴</sup>، پستالوزی<sup>۵</sup>، هربارت<sup>۶</sup>، و اسپنسر<sup>۷</sup> را در زمره این گونه نظریه‌پردازی برنامه درسی قلمداد نمود. در میان نویسندگان معاصر نیز، نمایندگان برجسته این نوع نظریه را فنیکس<sup>۸</sup>، بلوم<sup>۹</sup>، برونر<sup>۱۰</sup>، و فریره<sup>۱۱</sup> معرفی می‌نمایند (واکر، ۱۹۸۲: ۶۳).

۲- نظریه‌هایی که رویه‌های ساخت برنامه درسی یا تصمیم‌گیری برای برنامه درسی را عقلانی می‌سازند: واکر می‌نویسد این نظریه‌ها بیش از پرداختن به بیان منطق خود برنامه، به مراحل ساخت یا تعیین برنامه درسی اشاره داشته و فرایندی گام به گام را برای جنبه‌های مختلف تدوین و ارزیابی برنامه درسی ارائه نموده‌اند. نخستین نمونه بارز این نظریه‌ها را کتاب «برنامه درسی» بابیت<sup>۱۲</sup> (۱۹۱۸) معرفی کرده که در سال ۱۹۲۴ در کتاب «چگونه یک برنامه درسی تدوین کنیم»، پیگیری شده است. واکر معتقد است، نام این کتاب عنوان مناسبی برای کل این سنت است. بابیت عقاید خود را از دیدگاه‌های مدیریت علمی گرفته بود. از نظر وی یک برنامه درسی آرمانی را می‌توان از طریق بررسی عملکردهای افرادی که بیشترین آموزش‌ها را دیده‌اند و کیفیت و بازده عالی دارند، مشخص کرد و این عملکردها را به عنوان معیارهای آموزش همه افراد انتخاب کرد. به باور واکر از زمان بابیت، بسیاری از نویسندگان برنامه درسی، چنین روالی را ارائه کرده‌اند و شخصیت بانفوذ در

1. Harris
2. Bacon
3. Erasmus
4. Locke
5. Pestalozzi
6. Herbart
7. Spencer
8. Phenix
9. Bloom
10. Bruner
11. Friere
12. Bobbitt



میان آنان، تایلر<sup>۱</sup> است که دیدگاه او به «منطق تایلر<sup>۲</sup>» مشهور شده است. به نظر تایلر تمام برنامه‌ریزان باید از پاسخ به چهار پرسش زیر به عنوان ابزاری برای تدوین برنامه‌های درسی کمک بگیرند (واکر، ترجمه امیر تیموری، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۷):

- مدارس باید در پی دستیابی به چه هدف‌هایی باشند؟
- چگونه می‌توان تجربه‌های یادگیری مناسب را برای رسیدن به این هدف‌ها، انتخاب کرد؟
- چگونه می‌توان تجربه‌های یادگیری را سازمان داد؟
- چگونه می‌توان تجربه‌های یادگیری را ارزیابی کرد؟

از نظر واکر، فرایندهای جزئی‌تر و با گام‌های مشخص‌تر نیز به ویژه در میان نظریه‌پردازانی که به کاربرد علوم و فناوری در برنامه درسی علاقمندند شهرت یافته است. این دقیقاً رویه‌ای است که در عقلانی کردن حرفه‌ها دنبال می‌شده است. برای مثال در مورد شغل بنایی، باید یک بنا با بیشترین بازده و کیفیت کار و بر مبنای مشاهده عملکرد او شناسایی شود. سپس باید جزئیات کار او به منظور کشف چگونگی خلق شاهکارهای وی مورد مطالعه قرار گیرد. پس از آن لازم است که سایر افراد شاغل در آن حرفه برای دنبال کردن روش او آموزش ببینند (واکر، ۱۹۸۲: ۶۳).

**۳- نظریه‌هایی که پدیده‌های برنامه درسی را مفهوم‌پردازی می‌کنند:** به باور واکر، این نوع نظریه‌ها با فعالیت علمی تدوین برنامه درسی ارتباط کمتری دارند، بستر تفکر در مورد برنامه درسی را برای کسانی که می‌خواهند برنامه‌ای را تدوین کنند فراهم می‌سازند و تاثیرگذارترین نوشته دیویی<sup>۳</sup> درباره برنامه درسی از این نوع است. واکر معتقد است، دیویی در مقاله خود با عنوان «کودک و برنامه درسی»<sup>۴</sup> (۱۹۰۲) تلاش دارد تا چاره‌ای برای رفع تضاد بین توجه به نیازهای طبیعی کودک و تاکید بر خرد انباشته شده در فرهنگ انسانی بیابد. کودکان ناآشنا با فرهنگ و جنبه‌های آن، ممکن است برای یادگیری مطالبی احساس ناخوشایند داشته باشند که شاید بعدها آرزوی دانستن آن‌ها را داشته باشند. همین طور فرهنگ که انطباق آن با نیازها و ویژگی‌های کودک بدیهی به نظر می‌رسد، ممکن است به صورت اقتدارآمیز و زیان‌بخش به وی ارائه گردد. از نظر واکر، دیویی معتقد است برنامه‌ریزان درسی باید، فهرستی قابل آموزش از فرهنگ به دست آورند و برای تأثیر بیشتر برنامه با در نظر داشتن کودک پی ببرند که چه مواردی از این فهرست را چه هنگام، چگونه و در کجا می‌توان آموزش داد (واکر، ترجمه امیر تیموری، ۱۳۸۷: ۷۸).

**۴- نظریه‌هایی که پدیده‌های برنامه درسی را تبیین می‌کنند:** از نظر واکر چهارمین نوع نظریه با نوع سوم ارتباط نزدیکی دارد با وجود این، برای تبیین پدیده‌های برنامه درسی تلاش بیشتری دارد. دغدغه اصلی سه نوع نظریه نخست، بهبود برنامه درسی است. با وجود این، نظریه سوم با تلاش برای حصول فهم بیشتر، از این هدف دور می‌شود. رایج‌ترین گونه از نظریه چهارم، به دنبال تبیین‌هایی برای تغییرات برنامه درسی است. در این راستا سوال‌هایی مطرح می‌شود از جمله اینکه چگونه می‌توان تغییرات زودگذر یا نهضت‌های اصلاحی در برنامه درسی را تبیین کرد؟ کدام عوامل اجتماعی بر تغییر برنامه درسی تاثیر می‌گذارد؟ گونه دیگری از این نوع نظریه در پی تبیین تفاوت‌های موجود در نمره‌های پیشرفت تحصیلی فراگیرانی است که برنامه‌های متفاوتی داشته‌اند. از نظر واکر دغدغه اصلی این نظریه‌ها ارائه تبیین‌های علمی و تخصصی است که برنامه درسی را به امور دیگر ربط می‌دهند (واکر، ۱۹۸۲: ۶۴).

1. Tyler
2. Tyler Rational
3. Dewey
4. The Child and the Curriculum



واکر (۱۹۸۲: ۶۵) در جمع‌بندی نوشتار خود پیرامون این نظریه‌های چهارگانه اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که ما باید بیاموزیم که به تنوع موجود در نظریه‌های برنامه درسی احترام بگذاریم. به نظر وی، مهم‌ترین نقش نظریه در برنامه درسی کمک به ما در دیدن امور به شکلی متفاوت و تفسیر مختلف آن‌هاست.

### دیدگاه دکر واکر درباره انواع نظریه‌های برنامه درسی در کتاب «مبانی برنامه درسی»

واکر (۲۰۰۳) در فصل سوم این کتاب پس از مقدمه‌ای کوتاه و در شروع بحث نظریه برنامه‌درسی، به ایده‌آل‌های برنامه درسی اشاره و برخی ایده‌آل‌های سنتی در برنامه درسی ایالات متحده را بر شمرده است. ایده‌آل‌های مورد نظر او عبارتند از:

**ایده‌آل برتری آکادمیک<sup>۱</sup> (علمی):** مدارس باید به دانش‌آموزان ابزارهای تفکر، زبان و ریاضیات را بیاموزند و آنان از طریق درس‌های ادبیات، تاریخ، جغرافیا و علوم، دانش بنیادی موجود درباره جهان را به دست آورند.

**ایده‌آل ارتباط اجتماعی<sup>۲</sup>:** مدارس باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا یاد بگیرند نیازهای جامعه را برآورده سازند و در خدمت جامعه باشند. آموزش شهروندی، تدریس تاریخ برای اهداف وطن پرستانه و در جهت برآوردن نیازهای مربوط به ثبات اجتماعی و وحدت ملی، آموزش و پرورش چند فرهنگی و بالا بردن استانداردهای علمی به منظور حفظ کشور در رقابت‌های جهانی، از جمله موارد مهم در این ایده‌آل است.

**ایده‌آل تغییر اجتماعی<sup>۳</sup>:** آموزش به عنوان فرصتی برای ایجاد جامعه بهتر، تحقق ارزش‌های اجتماعی و بهبود وضعیت تلقی می‌شود.

**ایده‌آل بهزیستی فردی<sup>۴</sup>:** ایده آموزش کودک محور این است که مدرسه باید برای هر کودک آموزش متناسب با نیاز وی را مهیا سازد. مدارس باید به همه کودکان کمک کنند تا نیازهای فردی خود را برآورده سازند تا بتوانند قابلیت‌های آموزشی را به شیوه خود تحقق بخشند و در نهایت به یک انسان منحصربه‌فرد تبدیل شوند. نیازهای جامعه دموکراتیک در این دیدگاه بهتر برآورده خواهد شد به این صورت که به افراد کمک می‌شود به انسان‌هایی خوشبخت، موفق و کامیاب تبدیل شوند.

**ایده‌آل برابری آموزشی<sup>۵</sup>:** قرن نوزدهم، قرن مبارزه جهانی برای آموزش عمومی، اجباری و رایگان بود. آموزش برای همه در آمریکا منعکس‌کننده آرمان‌های دموکراتیک است. اکثر اصلاحات برنامه‌درسی مانند آموزش جبرانی و موفقیت برای همه، در درجه اول از انگیزه فرصت آموزش برابر ناشی می‌شود.

**ایده‌آل آموزش مذهبی<sup>۶</sup>:** شاید آموزش مذهبی قدیمی‌ترین ایده‌آل نسبت به ایده‌آل‌های دیگر باشد که بر تربیت فرد مذهبی تاکید دارد. ایده‌آل مذهبی در تصمیم‌ها و قضاوت‌های آموزشی سراسر جهان نیز جایگاه محکمی دارد و جدایی دین از دولت در آمریکا برای محدود کردن نقش این ایده‌آل بوده است. باوجود این، آرمان‌های دینی برای تعدادی از والدین، معلمان و کودکان به عنوان نیروی قدرتمند و زنده به حیات خود ادامه می‌دهد.

واکر پس از بیان این ایده‌آل‌ها به برخی دیگر از ایده‌آل‌ها اشاره و در ادامه نمونه‌هایی از تفکر کلاسیک در برنامه درسی را معرفی کرده است. زیر عنوان تفکر کلاسیک در برنامه درسی به الف) ایده‌های اولیه درباره برنامه درسی و ب) تفکر پیشرفت‌گرا

1. Academic Excellence
2. Social Relevance
3. Social Change
4. Individual Well-Being
5. Educational Equality
6. Religious Training



در برنامه درسی و نیز منازعات میان تفکر سنت‌گرا و پیشرفت‌گرا پرداخته است. او در ایده‌های اولیه برنامه درسی به اندیشه‌های فیلسوفانی مانند افلاطون<sup>۱</sup> و روسو<sup>۲</sup> اشاره کرده و در تفکر پیشرفت‌گرا موضع پیشرفت‌گرایان و سنت‌گرایان را در قالب چند سوال مقایسه کرده است. این سوال‌ها عبارتند از: کدام دانش ارزشمندترین است؟ هدف تعلیم و تربیت باید چه باشد؟ برنامه درسی چگونه باید معرف ماهیت دانش‌آموز باشد؟ ماهیت جامعه چه دلالت‌هایی برای برنامه درسی دارد؟ و برنامه درسی چگونه باید سازماندهی شود؟

واکر (۲۰۰۳: ۷۲-۵۵) در ادامه بحث نظریه برنامه درسی، به دو نظریه مدرن برنامه درسی در سنت کلاسیک اشاره کرده که عبارتند از: الف) فرهنگ عامه، فرهنگ سطح بالا و صنعتی شدن<sup>۳</sup> که معرف اندیشه‌های بانتوک<sup>۴</sup> است و ب) برنامه درسی مبتنی بر اخلاق غم‌خوارانه<sup>۵</sup> که از سوی نودینگز<sup>۶</sup> مطرح شده است. او جهت‌گیری خود در زمینه نظریه برنامه درسی را با معرفی مسیری جدید در نظریه‌پردازی برنامه درسی ادامه می‌دهد. نخستین مسیر، نقد برنامه درسی است که به باور واکر در دهه‌های اخیر، «نقد» به عنوان یک گونه مستقل از نظریه‌پردازی برنامه درسی شناخته شده است. او در این زمینه به نقد کلیبارد<sup>۷</sup> نسبت به منطق تایلر و نقد اپل<sup>۸</sup> به آموزش مدرن اشاره کرده است. در توضیح مسیر دوم، به نومفهوم‌گرایان و اندیشه‌های آنان از دهه ۱۹۷۰ پرداخته و برخی دیدگاه‌های پاینار را مطرح کرده است.

## جمع‌بندی

در این مقاله به دیدگاه‌های واکر در زمینه نظریه برنامه درسی پرداخته شد. در گام نخست، نوع‌شناسی واکر از نظریه‌های برنامه درسی مطرح شد و سپس طیفی از ایده‌آل‌های برنامه‌درسی از دیدگاه وی ارائه گردید که هر یک به جنبه خاصی از برنامه درسی پرداخته‌اند؛ بعضی فرد و نیازهای او را محور قرار داده‌اند و برخی دیگر نیازهای جامعه را مهم تلقی نموده‌اند. در برخی به مذهب توجه بیشتری شده و در مواردی به برتری علم و دانش تاکید شده است. آنچه مهم است ترکیب اقتضایی این ایده‌آل‌ها بر حسب شرایط و دوره‌های مختلف تحصیلی است. این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که به زعم واکر، دست‌اندرکاران همواره با این سوال مواجه هستند که در عرصه‌های عملی و واقعی برنامه درسی چه باید انجام دهند. با این وصف، نحوه اجرا و کاربرد نظریه‌ها نیز بسیار مهم است. چه بسا یک نظریه خوب، با اجرایی نامناسب به شکست محکوم شود که در این صورت ایرادی به نظریه وارد نیست. سخن با نقل قولی عالمانه از واکر (۱۹۸۲: ۶۵) به پایان می‌رسد که معتقد است «اگر یک چهارم توانی که این روزها صرف تدوین نظریه‌های برنامه‌درسی می‌شود، به کاربرد دقیق و انتقادی نظریه‌ها اختصاص می‌یافت، در وضعیت بهتری قرار داشتیم».

## منابع

سلطانی، اصغر. (۱۳۹۳). *نظریه برنامه درسی: چیستی، ساختار، فرایند و عمل*. کرمان: جهاد دانشگاهی استان کرمان.  
واکر، دکر. (۱۳۸۷). *نظریه برنامه‌درسی برای هر کسی معنایی دارد*. ترجمه محمدحسن امیرتیموری. مندرج در محمود مهرمحمدی (پدیدآورنده). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*. تهران: سمت و به نشر.

1. Plato
2. Rousseau
3. Folk Culture, High Culture And Industrialization
4. Bantock
5. Curriculum Based On Caring
6. Noddings
7. Kliebard
8. Apple

- Walker, D. F. (2003). *Fundamentals of curriculum: Passion and professionalism*. London: Routledge
- Walker, D. F. (1982). Curriculum theory is many things to many people. *Theory into Practice*, 11 (1), 62-65.

منابع تکمیلی

- Reid, W., & Walker, D. (Eds.). (2014). *Case studies in curriculum change: Great Britain and the United States*. London: Routledge.
- Walker, D. F., & Soltis, J. F. (2004). *Curriculum and aims*. Teachers College Press.

